



## بهره ناشنویان (نقد و بررسی کتاب)

پدیدآورده (ها) : باغچه بان، ثمینه  
علوم تربیتی :: آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) :: دوره چهل و هفتم، آبان  
1356 - شماره 2  
از 120 تا 123  
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/255670>

دانلود شده توسط : عمومی user2314  
تاریخ دانلود : 13/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

## بهره ناشنویان

ثمینه باغچه بان

۱۷۹ صفحه  
از انتشارات مرکز تحقیقات

«در کشتزار زندگی همه فرزندان انسان یکسان و یکدست نیستند، گاهی فرزندان به بار می آیند که به علت یا عللی گرفتار نقص یا نقایصی هستند که آنان را از دیگر مردم متمایز می سازد. انسان نمی تواند نسبت به این فرزندان رنجور بی اعتنا باشد و آنان را از درخت هستی بچیند و به دور افکند. جامعه هر چند پیشرفته تر و آگاهتر باشد از نقص اعضای خود رنجی عمیقتر می برد و به آثار این نقص از نظر انسانی و اجتماعی و اقتصادی بیشتر می اندیشد و به چاره جویی برمی خیزد.»<sup>۱</sup>

کتاب «بهره ناشنویان» تألیف خانم ثمینه باغچه بان با این عبارات آغاز می شود. از همین چند سطر می توان به انگیزه ای که شادروان جبار باغچه بان را واداشت تا با تحمل رنجهای فراوان چنین کاخ شگرفی را پی افکند و فرزندان او اینچنین برای نگهداری و رونق و اعتلای آن یدل مجاهدت کنند، آگاه شد: نباید به فرزندان رنجور اجتماع بسی اعتنا ماند. نباید گذاشت آنان را از درخت

زندگی بچینند و به دور افکنند.

از میان نقایص مختلف چون نایبایی، ناشنوایی، فلج، و امثال آنها، ناشنوایی یا کوری به سبب تأثیر مستقیمی که در فراگیری زبان و در نتیجه در رشد قوای فکری و روابط اجتماعی خود ناشنوا دارد، به قول «ملن کالر» بزرگترین ضایعه نقص حسی است و ضایعه حاصل از آن بسیار عمیقتر و جدی تر از نایبایی و یا علت های جسمی و حسی دیگر است. دلیلی که خانم باغچه بان برای اثبات این مدعا، که ناشنوایی ضایعه ای دردناکتر از نایبایی است، می آورد در عین سادگی قانع کننده است: «نایبانیان بسیاری را می شناسیم که نامشان در تاریخ علم و ادب درخشیده است و به بزرگترین مقامات ممکن رسیده اند. ولی، چنین چیزی را درباره چند نفر از ناشنویان می توان گفت؟» مؤلف از هومر و رودکی یاد می کند که هر دو در عین نایبایی آثار بزرگ به وجود آورده اند. «در اینجا فرض اندک گرفتن ناشنویان نیست بلکه مقصود توجه به عظمت سد ناشنوایی و ناگویایی در پرورش قوای فکری است و به دشواریهایی که ناشنویان با آن رو به رو هستند. مولوی می گوید: آدمی فربه شود از راه گوش و این حقیقتی است که شاعر نامدار ما هفت قرن پیش به آن پی برده است.»<sup>۲</sup>

کتاب بهره دانشجویان حاوی هشت فصل و یک پیوست است.

فصل اول «در شناخت ناشنوایی و علتها و اختلالهای ناشی از آن» است. مؤلف در این فصل به تعریف ناشنوایی می پردازد که «ناشنوا به کسی اطلاق می شود که به هنگام تولد یا پیش از فرا گرفتن زبان مادری دچار اختلال شنوایی شده باشد و این اختلال به حدی باشد که نتواند زبان مادری را حتی با استفاده از گوشی مستقیماً از محیط بیاموزد و یا بعدها بر اثر بیماریها یا حوادث دیگر شنوایی خود را به اندازه ای

از دست بدهد که در گفتن و درک گفتار دیگران به درجات مختلف دچار محدودیت شود.<sup>۴</sup>

ناشنوایان به نسبت میزان حساسیت شنوایی خود به کم شنوا، نیمه شنوا، ناشنوا، ناشنوی شدید، ناشنوی بسیار شدید تقسیم می‌شوند. ناشنوی شدید فقط صداهایی را می‌شنود که تقویت شده باشد، ولی ناشنوی بسیار شدید حتی صداهایی را که تقویت شده باشد نمی‌شنود. و آنها که مورد بحث این کتابند دو دسته آخری هستند.

نیز ناشنوایی از نظر محل ضایعه به چهار قسمت تقسیم می‌شود:

کری انتقالی که بر اثر اختلال در گوش میانی به وجود می‌آید.

کری عصبی که بر اثر اختلال در گوش داخلی و مرکز شنوایی در مغز پیدا می‌شود. کری آمیخته (انتقالی و عصبی). کری روانی.

از میان این انواع، کریهای عصبی علاج‌پذیر نیستند.

آنگاه به بیان علل ناشنواییها می‌پردازد و ناشنوایان را به دو قسمت می‌کند: ناشنوایان مادرزاد و کسانی که بعداً ناشنوا شده‌اند.

ناشنوایی مادرزادی ممکن است به علت وجود ژن کری در «گروموزوم»های پدر و مادر باشد یا ناهماهنگی PH خون پدر و مادر یا ابتلاء مادر به هنگام بارداری به بعضی از بیماریها، مثل سرخجه، یا استعمال بی‌رویه برخی از داروها چون «استروپتومايسين» و «کنومايسين».

ناشنوایی موجب بروز اختلالهایی چون اختلالهای رفتاری و اجتماعی، اختلالهای جسمی، و اختلالهای فکری می‌شود. در مورد اختلالهای رفتاری و اجتماعی، خانم باغچه‌بان چنین می‌گوید:

«فرد ناشنوا به علت بریده بودن از

اجتماع فردی درونگرا و گوشه‌گیر و حساس و زودرنج بار می‌آید و حتی در جمع نزدیکان احساس تنهایی می‌کند.

ناشنوا به علت بی‌خبری از قراردادها و دوز و کلکهای اجتماعی آدمی خوشبین و ساده دل و زودباور بار می‌آید و در نتیجه به مجرد روبه‌رو شدن با کوچکترین ناملايم یا موقعی که صغرا کبراهای او درست در نمی‌آید، از زندگی و اجتماع دلزده می‌شود و نسبت به آن واکنشهای غیر متعارف نشان می‌دهد.<sup>۵</sup> و در مورد اختلالهای فکری چنین می‌نویسد:

«از آنجا که فکر از زبان تغذیه می‌کند و از راه آن رشد می‌یابد فکر يك ناشنوا که از زبان محروم است چنانکه باید و شاید رشد نمی‌کند و چنانکه به موقع، طبق برنامه‌های ویژه، آموزش نبیند رفته رفته دچار عقب‌افتادگی فکری می‌شود.<sup>۶</sup>

در ایران نخستین کسی که به فکسر این گروه محکومان افتاد و کوشید تا آفاق تازه‌ای در برابر آنان بگشاید شادروان جبار باغچه‌بان بود. چهار صد سال پیش از باغچه‌بان یعنی از قرن شانزدهم نظر پاره‌ای از متفکران و دانشمندان، چون جرم کاردان ریاضیدان و پزشک ایتالیایی و پدر ونیس دولئون و ژان پابلونیه و جان بولوروشارل میشل دولپه و ساموئل‌های نیک و الکساندر گراهام بل، به تعلیم و تربیت ناشنوایان معطوف شده بود و روشهای متفاوت و مدارس مختلف در اروپا و امریکا به وجود آمده بود. جبار باغچه‌بان در سال ۲۴۸۴ به فکر تأسیس کلاسی برای تعلیم کرولالها افتاد. او يك سال پیش از این در تبریز کودکستان «باغچه اطفال» را دایره کرده بود. اقدام او در نظر اولیا امور و مردم متهورانه و عجیب بود. ولی او با تلاشی زیاد کلاسی تشکیل داد و از همه کرولالهای تبریز توانست سه نفر را به کلاس خود جلب کند و چون سال به پایان

رسید و شاگردان در مقابل جمع امتحان دادند و به نوشتن و خواندن پرداختند، باغچه‌بان مورد تشویق و تمجید همه حاضران حتی مخالفان خود واقع شد.

باغچه‌بان دو سال بعد که باغچه اطفال در تبریز تعطیل شد به شیراز دعوت شد و در آنجا کلاس تعلیم کرولالها را دایر کرد و سالها بعد مرکز کار خود را به تهران آورد و در اثر پشتکار و تحمل رنجهای فراوان که شمه‌ای از آن در کتاب آمده است در محل امروزی، مدرسه تعلیم کرولالها را دایر کرد و چون در سن هشتاد و چهار سالگی چشم از جهان فرو بست این میراث عظیم معنوی را به دختر خود ثمینة باغچه‌بان سپرد.

در فصل چهارم از گسترش آموزشگاههای کرولالها سخن رفته است. چون آموزشگاه کر و لالهای گلبدی، در اصفهان، دبستان ناشنوایان میرزایی، آموزشگاه استثنایی تبریز (دولتی)، مدرسه و هنرستان نظام مافی، تهران، آموزشگاه نیمروز، دبستان باغچه‌بان شماره ۲، دبستانهای کر و لالهای مشهد، خلاصه طبق گزارش دفتر کودکان استثنایی تا کنون در ۹۰ نقطه کشور مدرسی برای تعلیم کودکان ناشنوا تأسیس شده است.

فصل پنجم بحث در روشهای آموزشی و ارتباطی یا ناشنوایان است. از آغاز آموزش ناشنوایان در جهان قریب چهار صد سال می‌گذرد و در این مدت مریبان کوشیده‌اند که شاید يك راه ارتباط آسان و عملی برای ناشنوایان بیابند. این روشها، که پس از کوششهای بسیار حاصل شده است، عبارتند از: روش علامتی، الفبای دستی، روش هجی کردن با انگشت، روش گفتاری و روش آمیخته. خانم باغچه‌بان درباره هر يك از این روشها شرح مبسوطی داده است. او درباره روشی که جبار باغچه‌بان به کار می‌برده است می‌نویسد:

«آموزش و پرورش ناشنوایان در ایران

نه به دست گروههای مذهبی و خارجی بلکه به فکر يك معلم ایرانی بوجود آمده است، و این معلم ایرانی جبار باغچه‌بان است که می‌گوید:

ز اندیشه برای خود رهی یافته‌ام

نقش دگری را به ره انداخته‌ام

از چشم برای دیدن چهره صوت

با دست هنر آینه‌ای ساختم

اصول روش باغچه‌بان در سه بخش آمده است:

روش تعلیم تلفظ و گفتارخوانی به ناشنوایان

روش تعلیم زبان به ناشنوایان

ایجاد وسایل سمعی و بصری و نوشتن کتابهای ویژه برای آموزش به ناشنوایان.

در مورد روش نخست «باغچه‌بان بر اثر

تجربه‌های علمی پی برد که هر يك از واکها

یا صوتهای گفتاری ساختمانی مخصوص به

خود دارد. شباهت و تفاوت آنها را کشف کرد،

دید که مشترک‌المنخرج بودن صوتها به همان

اندازه که کار آموزش تلفظ را برای معلم

آسان می‌کند در لب‌خوانی کار ناشنوارا دشوار

می‌سازد. واقماً چگونه می‌توان توقع داشت که

شخص ناشنوا از راه چشم کلمه‌های «ماما»

«بابا» و «بو، مو، کاظم، قاسم و کاسب» را

از یکدیگر مشخص کند؟»

باغچه‌بان، پس از تجربه‌های بسیار،

توانست از نظر آموزش تلفظ و گفتارخوانی

صوتهای گفتار زبان فارسی را در جدول زیر

تنظیم کند:

### جدول صدای باغچه‌بان

اگر این جدول را به طور افقی مطالعه

کنیم می‌بینیم که لب خوانی صوتهای ردیف

اول (و، ب، پ، ف) آسانتر از ردیف دوم و

ردیف دوم آسانتر از ردیف بعد و همچنان

تا آخر است. به‌استثنای صوتهای

(ل، م، ن) که با لب و دندان گفته می‌شوند که

یکسان دیده می‌شود.»<sup>۱۱</sup>

«یکی از خصوصیات بارز این الفبا این است که شخص ناشنوا راهنمایی و تشویق می‌شود که از آن برای اصلاح تلفظ و یاری به لب خوانی استفاده کند نه به عنوان یک وسیله مستقل ارتباطی.»<sup>۱۲</sup>

فصل ششم، که شمه‌ای از آن بیان کردیم، مهم‌ترین فصول کتاب است. گذشته از آن، در این فصل مطالب دیگری نیز آمده است. از آن جمله است: گفتار یا الفبای اشاره‌ای، زبان و زبان آموزی، دشواریهای زبان آموختن به ناشنویان، مقدمه‌ای بر زبان مصور، زبان مصور، اسمهای ذات، ضمیر، فعلها، اسمها، ادات، وسیله‌های سمعی و بصری ویژه ناشنویان.

در فصل هفتم از «سازمانهای رفاهی و فرهنگی ناشنویان» گفتگو می‌شود و در فصل هشتم از «توان بخشی و تأمین رفاه شنوایان» و فصل نهم در «معرفی کتابها و نشریه‌هایی است که برای ناشنویان یا آموزگاران آنان تألیف شده است». از این کتابها آثار زیر تألیف و نوشته شادروان جبار باغچه‌بان است: حساب و روش آموزش کر و لالها. و این آثار نیز تألیف یا ترجمه ثمینة باغچه‌بان است: هلن کلسر، آسادگی، کبوتر و بادبادک، کلاغ پر، عموزنجیرباف، راهنمای تدریس آمادگی، زبان مصور و کلید زبان (راهنمای تدریس کتاب اول)، زبان مصور و کلید زبان (کرولالها را چگونه گویا کنیم)، زیر گنبد کبود و زبان آموزی.

مؤلف در پایان کتاب به «معرفی» فیلم‌هایی وابسته به ناشنویان پرداخته است. اکنون که سیر اجمالی در کتاب بهره‌ناشنویان را به پایان آورده‌ایم به راستی می‌توانیم قضاوت کنیم که کتاب خانم ثمینة باغچه‌بان یکی از آثار ارزنده‌ای است که در سالهای اخیر نشر یافته است. توفیق نویسنده محقق را خواهیم. (T)

البته لبخوانی آنها نیز دشواری ندارد. اگر بعضی از صوتهای گفتار مشترک‌المنخرج نبوده‌اند، یا توجه به اینکه يك سوم از صوتهای گفتار قابل رؤیت هستند، کار گفتار خوانی برای ناشنویان آسانتر می‌شود. ولی فعلا این آرزوی محال است و وجود صوتهای نامرئی گفتار و صوتهای مشترک‌المنخرج، ساختن وسیله‌ای را که بتواند ناشنوا را در تشخیص و فهم گفتار یاری دهد ایجاب می‌کند.»<sup>۱۰</sup>

الفباهای دستی که اروپاییان اختراع کرده بودند مورد پسند خاطر باغچه‌بان نبود، زیرا این الفباهای دستی هیچ گونه رابطه‌ای با ساختمان و چگونگی صوتهای گفتار ندارند. کسی که این الفباها را بداند می‌تواند بی‌آنکه حرف یزند يك يك حرفهای کلمه‌ها را با انگشتان هجی و مقصود را بیان کند ولی باغچه‌بان می‌خواست که لالها حرف بزنند. و برای نیل به این مقصود «الفبای گویا» را ایجاد کرد. بدین قرار:

- \* گذاشتن دست بر روی سینه برای نشان دادن صداهای آوایی یا حنجره‌ای زیرا که در موقع تلفظ این صوتها در ناحیه سینه ارتعاش محسوستر است.
- \* نگاهداشتن دست در برابر دهان برای نشان دادن صداهای تنفسی، زیرا که به هنگام تلفظ این صداها گرمی نفس در پشت دست به خوبی محسوس است.
- \* ثابت نگاهداشتن دست بر روی سینه یا در برابر دهان برای نشان دادن صداهای امتدادپذیر (انقباضی)
- \* حرکت سریع دست بر روی سینه یا در برابر دهان برای نشان دادن صداهای غیر امتدادپذیر (انسدادی)
- \* نشان دادن شکل دهان با دست هنگام تلفظ مصوتها.
- \* با شکل انگشتان نشان دادن شکل حرفهایی که در زبان فارسی همه آنها نشان يك صدا هستند و در نتیجه بر روی لبها